

بررسی تطور گزارش های تاریخی شهادت کودک امام حسین (ع)؛ از آغاز تا پایان قرن پنجم

محمد رضا بارانی^۱

علمدار حسین شاه^۲

چکیده

واقعه عاشورا، از رویدادهای مهم تاریخ مسلمانان است. شهادت فرزند خردسال امام حسین(ع)، از حوادث بزرگ آن روز به شمار می آید. در گزارش های تاریخی در مورد نام، سن و چگونگی شهادت آن، اختلاف زیادی وجود دارد؛ موضوعی که در گستره زمانی آغاز تا پایان قرن پنجم به مورد بررسی نشده است بنابراین، پرسشی که مطرح می شود آن است که گزارش های تاریخی پنج قرن نخست قمری درباره شهادت کودک امام حسین(ع) چگونه نقل شده است؟ (سؤال) علت اختلاف در نقل این حادثه، بی دقتی برخی تاریخ نویسان، اغراق گویی برخی دیگر و روایت آنان از یکدیگر بوده است. (فرضیه) عرضه تصویری روشن و واقعی از این موضوع، نگارنده گان را به کاوش واداشته تا پس از بررسی سیر دگرگونی گزارش ها، بتوان گزارش درست را شناسایی کرد. (هدف) این نوشتار، با روش توصیفی - تحلیلی به مطالعه گزارش تاریخی شهادت کودک امام حسین(ع) و تطور آن پرداخته است. (روش) شهادت کودک و نام قاتل وی در منابع روشن است، در عوض، منابع راهی برای شفاف ساختن سن و نام او نمی گشایند. البته تولد کودک در روز عاشورا و درخواست آب برای کودک از سوی امام(ع)، تنها برای عاطفی کردن داستان، بدان افزوده شده است. (یافته)

واژگان کلیدی

امام حسین (ع)، عاشورا، شهادت کودک، عبدالله، علی اصغر، گزارش های تاریخی.

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه الزهراء - m.barani@alzahra.ac.ir

۲. دانش پژوه دکتری تاریخ اهل بیت(ع) جامعه المصطفی العالمیه - Ahussain207@gmail.com

تاریخ دریافت: ۹۳/۱/۱۱ تاریخ تأیید: ۹۳/۳/۲۰

مقدمه

واقعه روز عاشورا از حوادث بسیار مهم و ماندگار در تاریخ است. در آن روز، امام حسین (ع) همراه با اهل بیت و اصحاب خود، به شهادت رسیدند. در میان آن شهدا، فرزند کوچکی از امام حسین(ع) بود که درباره نام، سن و کیفیت شهادت او، اختلاف زیادی وجود دارد.

درباره این موضوع، میرزا علی سلیمانی بروجردی کتابی به نام *تحقیقی جامع پیرامون سه طفل شهید سیدالشهداء* نوشته است. نویسنده در این کتاب، با توجه به اختلاف گزارش‌ها در جزئیات ماجرای شهادت آن کودک، کوشیده تا اثبات کند در روز عاشورا سه فرزند امام حسین(ع) به شهادت رسیدند. (بروجردی، ۱۳۸۹: ۱۳۱) هم‌چنین مقاله‌ای با عنوان «پژوهشی درباره طفل شیرخوار امام حسین(ع)» نوشته محسن رنجبر منتشر شده که نویسنده بدون در نظر گرفتن تقدم و تأخر منابع، تصویری عمومی از این ماجرا ارائه کرده است. (رنجبر، ۱۳۸۵: ۷۲) این مقاله به صورت کامل در کتاب *تاریخ قیام و مقتل جامع سیدالشهداء* زیر نظر مهدی پیشوایی منتشر شده است. (پیشوایی، ۱۳۹۱: ۵۴۹)

در منابع دیگر، نام این کودک مختلف نقل شده و در بیش تر منابع نام او عبدالله ذکر کرده‌اند (رسان، ۱۴۳۲: ۴۹۱؛ ابن حبیب، بی‌تا: ۴۹۱؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۳: ۴۰۷؛ طبری، ۱۳۸۷، ج ۵: ۴۴۸؛ خصیبی، ۱۴۱۹: ۲۰۴؛ ابوالفرج، ۴۱۵: ۵۹؛ طبری شیعی، ۱۴۱۳: ۱۸۱؛ ابن ابی ثلج، ۱۴۱۰: ۱۰۲؛ قاضی نعمان، ۱۴۰۹، ج ۳: ۱۷۸؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳، ج ۲: ۱۱۲؛ شجری، ۱۴۲۹، ج ۱: ۲۲۴). تا قرن پنجم، فقط خصیبی او را با عنوان عبدالله رضیع (شیرخوار) یاد کرده است (خصیبی، ۱۴۱۹: ۲۰۴) و تنها ابن‌اعثم نام او را علی آورده و از او با نام «علی فی الرضاع» تعبیر نموده است (ابن‌اعثم، ۱۴۱۱، ج ۵: ۱۳۱). گرچه برخی تاریخ‌نگاران، فرزنددی به نام علی اصغر را از فرزندان امام حسین(ع) شمرده‌اند ولی او را از شهدای کربلا ندانسته‌اند (طبری شیعی، ۱۴۱۳: ۱۸۱، ابن ابی ثلج، ۱۴۱۰: ۱۰۲؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹، ج ۳: ۱۱۸). یعقوبی بدون ذکر نام، از او با عنوان مولود یاد کرده است (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲: ۲۴۵).

امروزه این کودک به نام علی اصغر مشهور است اما معلوم نیست که سبب این شهرت چه بوده است؟ ملاحیب کاشانی می‌نویسد:

در بسیاری از کتاب‌های قدیمی، نام علی‌اصغری که طفل شیرخواره باشد، مذکور نیست، بلکه درباره آن تعبیر به عبدالله شده ولی در بسیاری از کتاب‌های متأخران، تعبیر به علی‌اصغر شده، چنان که در میان مردم و نویسندگان مشهور است (کاشانی، ۱۳۹۰، ج ۱: ۵۰۸).

درباره سن کودک نیز اختلاف وجود دارد. بر اساس برخی منابع، کودک همان روز عاشورا به دنیا آمده است (رسان، ۱۴۳۲، ۳۰؛ یعقوبی، بی‌تا، ج ۲: ۲۴۵). بلعمی سن کودک را یک سال می‌نویسد (بلعمی، ۱۳۷۳: ۴، ج ۴: ۷۱۰). ابن‌سعد سن کودک را سه سال ذکر کرده است. (ابن‌سعد، ۱۴۱۶: ۷۳) در قرن چهارم، شاعری فارسی‌زبان به نام کسایی مروزی، در شعر خود سن کودک را پنج ماه ذکر کرده است (صاحبکار، ۱۳۷۹: ۱۶۹). دیگر منابع، سخنی از سن وی به میان نیاورده و تنها با عنوان‌های صبی، صغیر، طفل و رضیع از او یاد کرده‌اند.

در حال حاضر، به کودک شش ماهه شهرت دارد، ولی در منابع کهن تاریخی قبل از علامه مجلسی، کسی به شش ماه اشاره نکرده است! علامه مجلسی ذکر کرده که زمان رجعت ابوعبدالله (ع) در آخرالزمان، اصحاب امام هم او را همراهی می‌کنند و در میان این شهدا، طفل شش ماهه ایشان نیز حضور دارد (مجلسی، ۱۳۸۲: ۷۳). علاوه بر آن، در *مقتل ابومخنف* که علامه مجلسی نیز در بحار از او گزارش کرده، سن کودک شش ماه ذکر شده است (ابومخنف، ۱۳۸۶: ۹۱). افزون بر آن شیخ عباس کرمانی،^۱ نقل کرده که آقای شیخ علی‌اکبر تبریزی در حرم امام رضا (ع) از حضرت حاجتی درخواست کرد که مانند آن به کسی داده نشده باشد. به دنبال این درخواست، سیدی معمم، ایشان را به نام صدا کرد و گفت: «شب نهم رجب جشن تولد علی‌اصغر طفل رضیع را برگزار کن» (کرمانی، ۱۳۸۶: ۲۰۵). به نظر می‌رسد که مشهور شدن نهم رجب، تاریخ ولادت آن کودک، به سبب همین داستانی بوده که آقای کرمانی معروف به شیخ‌الرئیس نقل کرده است.

در مورد شهادت وی همه اتفاق دارند که او با تیر به شهادت رسید. از حوادث بزرگ روز عاشورا شهادت طفل امام حسین (ع) است که به دست سپاه دشمن به شهادت رسید. او را نزد امام حسین (ع) آوردند و حضرت او را در دامن خویش نشانند. او در آغوش پدر بود که

۱. برای شناخت بیشتر شیخ عباس کرمانی، به کتاب چهره‌های ماندگار کرمان اثر محمد دانشور مراجعه کنید.

تبری به سویش آمد و او را شهید کرد. امام حسین (ع) دست خود را از خون پر کردند و بر زمین ریختند. سپس گفتند: خدایا اگر از آسمان یاری خود را از ما دریغ داشته‌ای پس این خون را سبب خیر و نیکی قرار ده و انتقام ما را از این ستمگران بگیر!«(طبری، ۱۳۸۷، ج ۵: ۴۴۸).

بررسی گزارش‌های تاریخی

در این نوشتار ماجرای شهادت این کودک در منابع تا قرن پنجم بررسی شده است. گفته شده منابع تا قرن پنجم، به سبب نزدیک‌تر بودن به حادثه از اعتبار بیشتری برخوردار هستند. گزارش هرچه از زمان حادثه دورتر باشد، زمینه دخالت افراد و جریان‌ها برای تاریخ‌سازی بیش‌تر می‌گردد. گرچه نمی‌توان همه منابع تا قرن پنجم را یک‌سان و به طور کامل معتبر دانست، بلکه باید همه گزارش‌ها را بررسی و نقد کرد. در این نوشتار، تلاش شده است تا گزارش‌های مربوط به شهادت کودک از آغاز تا قرن پنجم با مقایسه و تطبیق بررسی گردد و به‌طور آن گزارش در منابع اشاره شود.

۱. گزارش ابومخنف (وفات ۱۵۷ق)

ابومخنف لوط بن یحیی اهل کوفه بود و در نیمه دوم قرن اول هجری به دنیا آمد و در سال ۱۵۷ قمری درگذشت (حموی، ۱۴۰۸، ج ۱۷: ۴۱). اگرچه خاندان وی سابقه تشیع داشتند (زرگری‌نژاد، ۱۳۸۶: ۶-۱۲)، در مورد مذهب وی اختلاف است، به هر صورت او، راوی مهم تاریخ تشیع بود و وثاقت او نزد شیعه قابل اثبات است (نجاشی، ۱۳۵۵: ۳۲۰). کتاب مهم وی *مقتل‌الحسین* بود که امروز در دسترس نیست و آنچه امروز به نام *مقتل ابی‌مخنف* است، گردآوری شده از منابع تاریخی از جمله *تاریخ طبری* است. ابومخنف سه گزارش درباره شهادت این طفل آورده که گزارش اول را از حمید بن مسلم نقل کرده که شاهد ماجرا بوده است. او گزارش کرده، کودک را نزد امام حسین (ع) آوردند. حضرت او را در دامن خود نشانند و برخی پنداشتند که آن کودک عبدالله بن حسین بود (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵: ۴۴۸). در گزارش دیگر، هنگام نام آوردن از شهیدان و قاتلان آنان، گزارش کرده، عبدالله بن حسین که فرزند رباب بن امراءالقیس بود، به دست هانی بن ثبیت حضرمی به شهادت رسید (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵: ۴۴۸).

روایت سوم را از عقبه بن بشیر از امام صادق (ع) بدون ذکر نام کودک چنین نقل

می‌کند: امام باقر (ع) به عقبه بن بشیر اسدی فرمود: «ای بنی اسد، ما خونی به گردن شما داریم.» گفتیم: «کدام خون؟» امام صادق (ع) فرمود: «کودک حسین (ع) را نزد او بردند و در آغوش پدر بود که تیری به سوی او آمد و او را کشت. حسین (ع) دست خود را از خون پر کرد و بر زمین ریخت. سپس گفت: "خدایا اگر از آسمان یاری خود را از ما دریغ داشته‌ای، پس این خون را سبب خیر و نیکی قرار ده و انتقام ما را از این ستمگران بگیر!" ابومخنف بعد از نقل شهادت کودک، شهادت ابو بکر بن حسن را ذکر می‌کند که قاتلش عبدالله بن عقبه غنوی بود. ابن ابی عقبه درباره شهادت این دو شهید، شعری بدین مضمون سروده است: در میان قبیله غنی قطره‌ای از خون ماست و قبیله اسد نیز خون دیگری را به گردن خواهد داشت (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵: ۴۴۸).^۱

در این سه روایت، ابومخنف روایت اول را با یک واسطه از حمید بن مسلم گزارش کرده است. در این گزارش، ابومخنف برای کودک تعبیر «صبی» به کار می‌برد و با تردید نام او را عبدالله ذکر می‌کند و می‌گوید: «باور برخی بر این است که نام او عبدالله بوده است.» البته خودش به آن اطمینان ندارد و هم‌چنین از شهادت آن طفل یادی نکرده است. این مسأله نشان می‌دهد که او کودک بوده و سنش مشخص نیست.

در گزارش دوم، هشام از ابومخنف گزارش کرده، اما راوی آن ذکر نشده و تنها نامش را عبدالله بن حسین دانسته و تصریح نکرده که او کودک یا بزرگ بوده است. علاوه بر این، نام قاتلش را هانی بن ثبیت حضرمی آورده است.

در گزارش سوم، که نسبت به دو گزارش پیشین مفصل‌تر است، ابومخنف از امام باقر (ع) تعبیر صبی آورده و امام قاتل او را مردی از بنی اسد می‌داند ولی نام قاتل را نیاورده است. البته می‌توان گفت که به احتمال زیاد مراد امام حرمله بن کاهل اسدی باشد. در این گزارش آمده که آن کودک را نزد امام حسین (ع) آوردند؛ یعنی کودک به سنی نرسیده بود که خودش نزد امام بیاید و شاید سنش کم‌تر از دو سال بوده باشد اما از این حدیث، شیرخواره بودن و یا چند ماهه بودن ایشان به دست نمی‌آید.

۲. گزارش رسان (وفات قرن دوم)

فضیل بن زبیر اسدی رسان کوفی، از اصحاب امام باقر (ع) و امام صادق (ع) (برقی، ۱۳۴۲: ۱۱، ۳۴) و از لحاظ مذهب، پیرو زیدیه جارودیه بود (اشعری، بی‌تا: ۷۱؛ نوبختی،

۱. "و عند غنی قطره من دمائنا و فی اسد اخری تعد و تذکر"

۱۳۵۵: ۵۵). او در قرن دوم از دنیا رفت ولی سال درگذشت او دقیقاً روشن نیست (حسینی، ۱۴۰۶: ۱۳۸). در منابع متقدم رجالی شیعه، ذکری از وثاقت و عدم وثاقت او نیامده، البته ابن داوود او را ممدوح شمرده است (ابن داوود، ۱۳۴۲: ۲۷۱).

وی شهادت این کودک را با جزئیات بیش‌تر و متفاوت از ابومخنف چنین نقل می‌کند: عبدالله بن حسین (ع) را که مادرش رباب دختر امرؤ القیس بن عدی بن اوس بن جابر بن کعب بن حکیم کلبی بود، حرمله کاهلی اسدی والبی با تیر کشت. او در روز عاشورا زاده شد؛ پس از آن او را نزد امام آوردند. امام در حالی که نشسته بودند، نوزاد را به آغوش کشیدند و با آب دهان خود، دهان او را باز نمودند و او را عبدالله نامیدند. در همین هنگام، حرمله تیری افکند و گلوگاه او را درید. امام حسین (ع) با دست خود جلو خون را گرفتند و جمع نمودند و به سوی آسمان پاشیدند. از آن خون، قطره‌ای هم به زمین بازنگشت. سپس از امام باقر (ع) نقل کرده که اگر قطره‌ای از آن، به زمین می‌رسید، عذاب الهی نازل می‌گشت. در این باره شاعر گفته است: «قطره‌ای از خون ما پیش قبیله غنی و قطره‌ای دیگر از آن، در میان قبیله اسد است که در روز جزا بازشماری و بازخواست می‌گردد» (رسان، ۱۴۳۲: ۲۹).^۱

این گزارش شباهت زیادی به گزارش ابومخنف دارد که از امام باقر (ع) نقل کرده است. البته به نظر می‌رسد که فضیل بن زبیر، برخی مطالب را جابه‌جا کرده باشد. اول این که او سند گزارش را نقل نکرده، به علاوه، کودک را نوزاد و نام او آشکارا عبدالله و نام مادرش را رباب دختر امرؤ القیس و نام قاتلش را حرمله بن کاهل اسدی ذکر کرده است. تنها این مطلب را از امام باقر (ع) نقل کرده که امام حسین (ع) خون آن نوزاد را به سوی آسمان پاشیدند و به زمین باز نگشت. دوم این که ابومخنف نقل کرده که امام، خون آن کودک را بر زمین ریختند. به نظر می‌رسد که رسان ریختن خون بر زمین را تعبیر داده است. علاوه بر این، روایت امام باقر (ع) مبنی بر پاشیدن خون به طرف آسمان هم درست به نظر نمی‌رسد؛ زیرا خون امام حسین (ع) از همه مقدس‌تر بود و سزاوارتر بود که پس از ریخته شدن این خون، عذاب خداوند بر مردم فرود آید. دیگر این که چه نیازی بود که امام خون را به آسمان بپاشند و چرا با ریختن خون روی زمین، عذاب فرود آید؟ اگر خداوند می‌خواست این مردم را عذاب نماید، نیازی به این کار نبود و اگر امام نیز

۱. "و عند غنی قطرة من دمانا و فی أسد آخری تعدّ و تحسب"

چنین می‌خواستند، با نفرین و درخواست از خداوند بزرگ می‌توانستند چنین کنند. دیگر این که رسان شعری را با تفاوت از ابومخنف نقل کرده که بازخواست آن را در روز جزا یادآور شده است. در این گزارش، به آسمان پاشیدن خون و بازنگشتن آن به زمین، از ویژگی‌هایی است که با گفتمان ماورایی سازگار است و زمینه برداشت‌های این گونه را فراهم نموده است.

۳. گزارش ابن سعد (وفات ۲۳۰ق)

محمد بن سعد، مشهور به کاتب واقدی، در بصره متولد شد و نزد اهل سنت مورد اعتماد است (ابن ندیم، بی‌تا: ۹۹). کتاب مهم وی *طبقات الکبری* است. از این کتاب بر می‌آید که وی سنی متعصب و عثمانی‌مذهب بوده است (حسینی، ۱۳۸۸: ۹۷). ابن سعد سه روایت گوناگون در مورد کودک آورده است: در گزارش اول آمده که امام حسین (ع) نشسته بودند و تیر از طرف راست و چپ به سویشان می‌آمد. در حالی که پسر سه‌ساله امام نزد وی بود، عقبه بن بشر اسدی تیری به سوی او پرتاب کرد و او را کشت. (ابن سعد، ۱۴۱۶: ۷۳) ابن سعد شهادت این کودک را پیش از شهادت علی‌اکبر آورده است.

روایت دیگری که در آن تعبیر «صبی» برای کودک به کار برده و گفته: کودکی از کودکان امام حسین (ع) دوان دوان نزد ایشان آمد و بر دامن حضرت نشست و مردی به سوی او تیر پرتاب کرد و او را کشت. بعد از آن نفرین امام را ذکر کرده که ابومخنف نقل کرده است. از این روایت برمی‌آید که سن کودک بیش‌تر از یک سال بوده، چون پسر یک‌ساله نمی‌تواند بدود. از این جا می‌توان گفت که ابن سعد گزارش ابومخنف را تغییر داده و گفت‌وگو امام باقر (ع) با عقبه بن بشیر را حذف کرده و تنها شهید شدن آن کودک و نفرین امام را ذکر نموده است (ابن سعد، ۱۴۱۶: ۷۳).

در گزارش سوم با ذکر نام شهیدان، دو پسر از امام حسین (ع) با نام عبدالله ذکر کرده که یکی به دست هانی بن ثبیت حضرمی کشته شد و دومی به دست حرمله بن کاهل اسدی (ابن سعد، ۱۳۱۶: ۷۶)، ولی چگونگی شهادت آن دو را یادآوری نکرده است.

بر اساس ظاهر این سه گزارش، به نظر می‌رسد که سه کودک از امام حسین (ع) در کربلا به شهادت رسیدند. ولی شاید این برداشت درست نباشد؛ زیرا در روایت اول بدون ذکر نام آن کودک، او را سه ساله ذکر کرده و نام قاتل او را عقبه بن بشر اسدی آورده، در حالی که این شخص در روایت ابومخنف، گزارش‌گر روایت امام باقر (ع) است و در

کتاب‌های رجال‌ شیعه نیز او را از اصحاب امام باقر (ع) و امام صادق (ع) شمرده‌اند (شیخ طوسی، ۱۳۷۳ الف: ۱۴۰ و ۲۶۱؛ برقی، ۱۳۴۲: ۱۳). پس می‌توان احتمال داد که ابن‌سعد روایت ابومخنف را که از امام باقر (ع) نقل کرده، تغییر داده و به جای این که سخن امام را ذکر کند که به عقبه بن بشیر فرمود: «ما خونی به گردن شما داریم»، راوی را قاتل آن کودک سه‌ساله معرفی کرده است. پس این روایت، همان روایت تغییر یافته ابومخنف است که از امام باقر (ع) نقل کرده و در آن نام کودک ذکر نشده است. از گزارش ابن‌سعد بر می‌آید که این کودک پیش از حضرت علی‌اکبر به شهادت رسیده، در حالی که ابومخنف و دیگران ذکر کرده‌اند که علی‌اکبر نخستین شهید از بنی‌هاشم بوده و ناسازگاری بین این گزارش‌ها قابل تأمل است (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵: ۴۴۶).

روایت دوم ابن‌سعد، بدون سند شبیه روایت ابومخنف است که از امام باقر (ع) نقل کرده، با این تفاوت که گفت‌وگوی امام باقر (ع) با عقبه بن بشیر را حذف کرده است. به نظر می‌رسد ابن‌سعد، همان گزارش ابومخنف را تغییر داده و با دخل و تصرف به دو گزارش تبدیل کرده و در نتیجه یک کودک به دو کودک تبدیل شده است. بنابراین در درستی این گزارش ابن‌سعد، تردید جدی وجود دارد.

در گزارش سوم، نام‌هایی که ابن‌سعد از شهیدان نقل کرده، بسیار شبیه به نام‌هایی است که رسان آورده و می‌توان احتمال داد که او از رسان نقل کرده باشد با مقایسه با مقتل رسان می‌توان گفت: این‌جا عمداً یا سهواً از خود ابن‌سعد یا بعداً توسط نسخه‌برداران، خطایی در ثبت نام شهیدان صورت گرفته است و عبدالله و جعفر که هر دو از فرزندان امیرمؤمنان (ع) بودند، دوباره تکرار گردیده و به عنوان فرزندان امام حسین (ع)، ثبت شده‌اند. دیگر این که بر اساس کتاب‌های انساب، جعفر بن حسین (ع) پیش از کربلا از دنیا رفته بود (فخررازی، ۱۴۱۹: ۸۷). پس او از روی اشتباه این دو نفر را از فرزندان امام حسین (ع) ثبت کرده و این روایت سوم درباره شهادت فرزند امیرمؤمنان (ع) است نه فرزندان امام حسین (ع). پس می‌توان گفت که تنها یک کودک از امام در آن روز به شهادت رسیده که به احتمال زیاد اسمش عبدالله و نام قاتلش حرمله بن کاهل اسدی بوده است.

۴. گزارش خلیفه بن خیاط (وفات ۲۴۰ق)

ابوعمر و خلیفه بن خیاط از تاریخ‌نویسان، محدثان و نسب‌شناسان نیمه اول قرن سوم قمری است (ابن‌خلکان، ۱۳۹۷، ج ۲: ۲۴۳). وی در حدود سال ۱۶۰ قمری در بصره متولد

شد(ذهبی، ۱۴۲۵، ج ۱۱: ۴۷۳). بیش تر منابع سال وفات او را ۲۴۰ قمری ذکر کرده‌اند. (بخاری، بی تا، ج ۳: ۹۱۱). وی از ابوالحسن مدائنی نقل کرده که در روز عاشورا، عیبدالله بن حسین (ع) به همراه پدر به قتل رسید که مادرش رباب بن تامرؤالقیس بود(خلیفه، ۱۴۱۵: ۱۴۵).

۵. گزارش بلاذری(وفات ۲۷۹ق)

احمد بن یحیی بلاذری، مورخ، ادیب و نسب‌شناس برجسته دوره عباسی است. وی نزد اهل سنت ثقه است(ابن ابی‌الحدید، ۱۴۰۴، ج ۱۷: ۱۷۷). کتاب مهم وی *انساب الاشراف* است که در این کتاب ضمن بیان شرح حال امام حسین (ع)، واقعه کربلا را به تفصیل نقل کرده است. بلاذری تنها همین را گزارش کرده که حرمه بن کاهل والبی به سوی عبدالله بن حسین تیر پرتاب کرد و او را با تیر به قتل رساند (بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۳: ۴۰۷).

۶. گزارش دینوری (وفات ۲۸۲ق)

ابوحنیفه احمد بن داوود دینوری، مورخ، منجم، ریاضی‌دان، نحوی، لغت‌شناس، و گیاه‌شناس قرن سوم بوده است (ابن ندیم، بی تا: ۸۶). او سنی‌مذهب بود و از لحاظ فقهی، پیرو مذهب حنفی بود (بغدادی، ۱۴۱۰، ج ۱: ۵۲) ولی سنی متعصبی نبود. کتاب مهم وی *اخبارالطوال* است. وی گزارش داده که حسین (ع) بر زمین نشستند و کودک کوچک خود را خواستند و او را در دامن نشانند مردی از بنی‌اسد او را هدف تیری باریک و بلند قرار داد و در دامن پدر شهید کرد(دینوری، ۱۳۶۸: ۲۵۵). این نخستین گزارشی است که ذکر می‌کند، تیری که آن کودک را به شهادت رساند، تیری بلند و باریک بود. در حالی که در گزارش‌های پیشین، چنین چیزی وجود نداشت و گامی برای تحریف و آوردن برداشت‌های شخصی محسوب می‌شود.

۷. گزارش یعقوبی(وفات ۲۹۲ق)

أحمد بن اسحاق بن جعفر بن وهب بن واضح یعقوبی مورخ، جغرافیادان و نویسنده کتاب معروف *تاریخ یعقوبی* است (زرکلی، ۱۹۸۰: ج ۱: ۹۵). از کتاب وی بر می‌آید که وی شیعی‌مذهب بوده است، گرچه در هیچ‌یک از منابع رجالی شیعی شناخته‌شده نیست(عزیزی، ۱۳۹۱: ۲۵۱). یعقوبی نقل کرده که امام حسین(ع) بر اسب سوار بودند و نوزادی را

که در همان لحظه به دنیا آمده بود، نزد ایشان آوردند. پس در گوش او اذان گفتند و کام او را برداشتند، ناگاه تیری در حلق کودک نشست و او را کشت. امام حسین(ع) تیر را از گلویش بیرون کشیدند و او را به خورش آغشته کرده، فرمودند: «تو گرامی تر از ناقة صالح، نزد خدا هستی و حضرت محمد(ص) نزد خدا گرامی تر از صالح است.» سپس او را کنار فرزندان و برادرزادگانش گذاشتند (یعقوبی، بی تا، ج ۲: ۲۱۷ - ۲۱۸).

گزارش یعقوبی، با گزارش های دیگران تفاوت دارد. وی نقل می کند که امام بر اسب سوار بودند، در حالی که در روایات دیگر آمده که امام نشسته بودند. دیگر این که در مورد نوزاد بودن کودک به گزارش رسان شباهت دارد، ولی بقیه مطالب وی با دیگران متفاوت است. در این گزارش، اذان گفتن در گوش او و تشبیه آن نوزاد به ناقة صالح اضافه شده است. یعقوبی هم چنین دو فرزند پسر برای امام یاد کرده که علی اکبر در روز عاشورا شهید شد و فرزندی از خود برجای نگذاشت و علی اصغر که مادرش دختر یزدگرد بوده است (یعقوبی، بی تا، ج ۲: ۲۱۹). این گزارش، با گزارش شهادت کودک امام ناسازگار است؛ زیرا او نیز فرزند پسر امام بوده و نام او را در کنار فرزندان امام نیاورده است.

۸. گزارش طبری (وفات ۳۱۰ ق)

ابوجعفر محمد بن جریر طبری مورخ، مفسر و فقیه برجسته اهل سنت در سال ۲۲۴ قمری در طبرستان متولد شد. طبری برای کسب علم به شهرهای مختلف سفر کرد و سرانجام در بغداد استقرار یافت و تا پایان عمر همان جا زیست. وفات وی در ۸۴ سالگی روی داد (بغدادی، بی تا، ج ۲: ۱۶۱). وی همان گزارش ابومخنف را نقل کرده است (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵: ص ۴۴۸). علاوه بر آن، در خبری دیگر که عمار دهنی از امام باقر(ع) نقل کرده، آمده است که چون آن کودک در دامان امام حسین(ع) هدف تیر قرار گرفت، امام فرمود: خدایا خود بین ما و قومی که ما را دعوت کردند تا یاریمان کنند اما ما را کشتند، حکم کن! (طبری، ۱۳۸۷، ج ۵: ۴۴۸).

۹. گزارش ابن اعثم (وفات ۳۱۴ ق)

ابومحمد احمد بن محمد بن اعثم کوفی از تاریخ نگاران اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم است. درباره زندگی، شرح حال و مذهب وی اطلاعات زیاد وجود ندارد. با توجه به محتوای کتاب نمی توان او را شیعه دانست و می توان گفت سنی متمایل به تشیع بوده است (حسینی، ۱۳۸۸: ۱۶۶). ابن اعثم گفته که چون تمام یاران و خویشان

امام حسین(ع) شهید شدند، امام حسین(ع) تنها ماندند و با ایشان جز دو نفر باقی ماند: یکی فرزند هفت ساله شان علی زین العابدین و دیگر پسری شیرخوار که او را علی می گفتند. پس امام حسین(ع) برای وداع با خانواده به در خیمه آمدند و فرمودند: «کودکم را بیاورید تا او را بدرود گویم.» چون کودک را آوردند، حضرت او را بوسیدند و می فرمودند: «پسرم، وای بر این مردم که چون فردای قیامت برسد، جدت محمد(ص) با آنان دشمنی خواهد ورزید.» در همین حال، تیری آمد و بر گلوی کودک نشست و او را به قتل رساند. امام حسین(ع) از اسب فرود آمدند و با نوک شمشیر، گودالی کردند و او را با خونس آغشتند و بر او نماز خواندند و او را به خاک سپردند(ابن اعثم، ۱۴۱۱، ج ۵: ۱۳۱).

این گزارش ابن اعثم، رنگ داستانی دارد و نخستین گزارشی است که نام آن کودک را علی گذاشته و او را شیرخوار معرفی کرده است. وی علاوه بر آن ذکر می کند که امام حسین(ع) کودک را دفن کردند و بر او نماز گزارند. بر اساس همین گزارش، برخی سعی کرده اند که سن شش سال را برای کودک ثابت کنند. چون امام حسین(ع) بر او نماز گزارند که طبق نظر فقها خواندن نماز میت بر کم تر از شش ساله واجب نیست و استحباب آن نیز معلوم نیست(قاضی طباطبایی، ۱۳۶۸: ۳۶۸). به نظر می رسد در آن زمان، امام تنها مانده بودند و دشمن ایشان را از هر سوی محاصره کرده بود و امام فرصتی برای چنین کاری نداشتند. از طرفی هنگامی که حضرت نماز ظهر را ادا کردند، با نگرانی شدید یاران نماز را به پایان رساندند و یکی از یاران جلو امام ایستاده بود. در آن هنگام یاران و خویشان نزد امام بودند، ولی پس از شهادت یاران و خویشاوندان، امام تنها ماندند و حمله دشمن شدیدتر شد؛ پس دفن کردن و نماز گزاردن در کار نبوده است. علاوه بر آن امام بر هیچ فردی از یاران یا خانواده خود نماز نگزارند. نکته دیگر این که چگونه امام حسین(ع) کودک را با خونس آغشته کردند؟ آیا پیش از آن زخمی شده بود یا مسأله دیگری وجود داشته؟ و یا این که نشانه دیگری است بر این که رنگ داستانی گرفته است؟ پس می توان در درستی این گزارش تردید کرد. گرچه به نظر می رسد منظور خون خود کودک بوده باشد. اما این مسأله برای چه منظوری انجام شده است؟ امام چه هدفی از این کار دنبال می کرده اند؟ آیا این مسأله سنتی در میان مردم بوده یا در سیره امامان پیش از ایشان و پیامبر(ص) دیده شده است؟ به نظر می رسد تاریخ نویسان این مسأله را نیز برای بالا بردن احساسات مردمی افزوده باشند.

۱۰. گزارش خصیبی (وفات ۳۳۴ ق)

حسین بن حمدان خصیبی، از دانشمندان شیعی قرن چهارم هجری است اطلاعات کمی درباره او در منابع شیعی وجود دارد و این اطلاعات هم در جهت تضعیف اوست (صفری، ۱۳۸۴ الف: ۱۶). وی از ابوحمزه ثمالی از امام سجاد (ع) در ضمن حوادث عاشورا می نویسد که شب عاشورا، قاسم بن حسن درباره کشته شدن خویش در روز عاشورا سؤال کرد. امام حسین (ع) در جوابش فرمود: «عبدالله شیرخواره هم کشته می شود. من به سوی خیمه می روم و آب و شیر می طلبم و هرگز چیزی نمی یابم. می گویم پسر من نزد من آورید تا از دهانش بنوشم. کودک را نزد من می آورند و من خم می شوم تا از دهان او بنوشم. در همین حال صدای بچه بلند می شود و فاسقی گلویش را هدف تیر قرار می دهد. من خونس را در کف دست می گیرم و به آسمان می ریزم و می گویم خدایا برای رضای تو شکیبایی می ورزم» (خصیبی، ۱۴۱۹: ۲۰۵).

خصیبی در این گزارش، نام کودک را به صراحت عبدالله خوانده و او را شیرخوار معرفی کرده است. بر اساس گزارش وی، کودک پیش از عاشورا متولد شده بود نه در روز عاشورا. دیگر این که برطرف کردن تشنگی خویش از رطوبت دهان یک شیرخوار، با روحیه یک فرد معمولی سازگاری ندارد و این کار از امام حسین (ع) بسیار بعید است. به علاوه، این ماجرا به صورت خبر غیبی که اتفاق خواهد افتاد، بیان شده، که می توان گفت این واقعه به صورت خبر غیبی، پس از عاشورا درست شده است.

۱۱. گزارش ابوالفرج (وفات ۳۵۶ ق)

ابوالفرج، راوی و شاعر مشهوری بوده است. با وجود این که او از لحاظ نسب، مروانی و اموی بود، گرایش شیعی زیدی داشت. شیخ طوسی، به زیدی بودن وی تصریح کرده است (شیخ طوسی، ۱۳۷۳ ب: ۲۸۰). وی آورده است که عبدالله بن الحسین (ع) در روز طف بر دامان پدرش غنوده بود. کودکی کوچک بود که تیری گلویش را هدف گرفت و در نتیجه ذبحش کرد (ابوالفرج، ۱۳۳۹: ۱۳۱). وی گزارش دیگر را از حمید بن مسلم نقل کرده است. امام حسین (ع) فرزند کوچک خود را خواستند و او را به آغوش خویش کشیدند. عقبه بن بشیر از سپاه عمرو بن سعد تیری به سوی او انداخت و گلویش را درید.

وی در روایت سوم، از شخص مجهولی که شاهد ماجرا بود، چنین نقل کرده که طفل

کوچکی با امام حسین(ع) بود. تیری از لشکر کوفه به سویش آمد و بر حلق او نشست. ابوعبدالله (ع) از خون حلق آن کودک گرفت و به سوی آسمان پرتاب کرد. از آن خون قطره‌ای به زمین باز نمی‌گشت و می‌گفت: «خدایا کشتن این پسر نزد تو آسان‌تر از کشتن ناقه صالح نیست» (ابوالفرج، ۱۴۱۵: ۵۹).

ابوالفرج در دو گزارش اول، نام او آن را عبدالله ذکر کرده است. وی درباره کودک، تعبیر صغیر و غلام به کار برده است. وی یک گزارش را از ابومخنف با همان سند طبری نقل کرده، ولی محتوای آن متفاوت است. طبری در این گزارش، نام قاتل را نیاورده. ولی ابوالفرج نام قاتل را عقبه بن بشیر نقل کرده است (همان). طبری گزارش دوم ابومخنف را از همین راوی نقل می‌کند. از این لحاظ گزارش ابوالفرج، شباهتی با گزارش ابن‌سعد دارد که در آن نام قاتل را عقبه بن بشیر آورده است. می‌توان احتمال داد که او گزارش ابن‌سعد را به نام ابومخنف نقل کرده یا گزارش ابومخنف و ابن‌سعد را مخلوط کرده است. در گزارش سوم، پرتاب کردن خون به سوی آسمان، این مطلب شباهت با روایت رسان دارد و تشبیه آن کودک به ناقه صالح، مانند گزارش یعقوبی است. پس می‌توان گفت ابوالفرج گزارش رسان و یعقوبی را ترکیب کرده است.

۱۲. گزارش قاضی نعمان (وفات ۳۶۵ ق)

ابوحنیفه، قاضی نعمان بن محمد تمیمی مغربی، در شهر مهدیه در خانواده‌ای اسماعیلی متولد شد (غالب، بی‌تا: ۱۹۸). او فقیه و لغت‌دان برجسته آن زمان بود (ابن خلکان، ۱۳۹۷، ج ۵: ۴۱۵). برخی به امامی بودن او معتقدند (حرآملی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۳۳۴) و برخی به اسماعیلی بودن او تصریح کرده‌اند (تفرشی، ۱۴۱۸، ج ۵: ۱۷) با توجه جایگاه وی نزد اسماعیلیه و محتوای کتاب او، می‌توان گفت که وی اسماعیلی بوده است (زاهدی یاسین، ۱۳۸۷: ۶۲). وی نام کودک امام حسین(ع) را عبدالله و نام قاتلش را هانی بن ثبیت نقل کرده است (قاضی نعمان، ۱۴۰۹، ج ۳، ۱۷۸). به نظر می‌رسد که وی این را از هشام گرفته باشد؛ زیرا وی هم نام کودک را عبدالله و نام قاتلش را هانی بن ثبیت حضرمی ثبت کرده است.

۱۳. گزارش کسایی مروزی (وفات قرن چهارم)

کسایی از شاعران قرن چهارم و نخستین شاعر فارسی است که اشعار مذهبی سروده است (صاحبکار، ۱۴۱۷: ۱۶۹). او می‌گوید:

این پنج ماهه کودک، باری چه کرد و یحک کز پای تا به تارک مجروح شد مفاجا (صاحبکاری، ۱۴۱۷: ۱۶۹)

۱۴. گزارش بلعمی (وفات قرن چهارم)

ابوعلی، محمد بن محمد بلعمی، از اعلام قرن چهارم است و تاریخ وفاتش روشن نیست. او دومین وزیر از خاندان بلعمیان و از افاضل عصر خویش بود و به دستور منصور بن نوح سامانی به ترجمه تاریخ طبری اقدام نمود (بلعمی، ۱۳۷۳: ج ۱: ۲). البته این ترجمه اقتباس گونه و برداشت و اختصار گونه همراه با افزوده‌هایی است. بلعمی نام آن کودک را عبدالله و او را یک ساله معرفی کرده و نام قاتل او را فردی از بنی اسد می‌داند. (بلعمی، ۱۳۷۳، ج ۴: ۷۱۰) می‌توان گفت که آوردن سن یک ساله، گمان و برداشت خود وی از گزارش طبری است. چون هیچ‌یک از گزارش‌ها سن کودک را نیاورده‌اند و این اولین گزارشی است که به سن کودک اشاره کرده است.

۱۵. طبری شیعی (وفات قرن پنجم)

محمد بن جریر طبری آملی شیعی نویسنده کتاب *دلائل الامامه* است. درباره شرح حال وی اطلاعات زیادی در دست نیست (صفری، ۱۳۸۴ ب: ۲۲۳-۲۳۸). وی فقط در ضمن فرزندان امام حسین (ع) نام یک فرزند را عبدالله الشهید ذکر کرده است. وی در بین فرزندان امام حسین (ع) فرزندی به نام علی اصغر - غیر از امام سجاد و علی اکبر - آورده، ولی او را از شهدا نشمرده است (طبری شیعی، ۱۴۱۳: ۱۸۱). پس می‌توان گفت که عبدالله شهید همان کودکی است که در دامن امام حسین (ع) شهید شد.

۱۶. گزارش شیخ مفید (وفات ۴۱۳ ق)

محمد بن محمد بن نعمان، معروف به شیخ مفید، از محدثان و متکلمان برجسته شیعه بود. *الارشاد* از جمله آثار ارزشمند او به شمار می‌آید که درباره شرح حال ائمه با رویکرد تاریخی - کلامی نگاشته شده است (جعفریان، ۱۳۸۷: ۱۶). گزارش وی بدون سند شبیه به ابومخنف است (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ج ۲: ۱۱۲).

۱۷. گزارش شیخ طوسی (وفات ۴۶۰ ق)

ابوجعفر محمد بن حسن طوسی، معروف به «شیخ الطائفه»، فقیه، محدث و متکلم برجسته قرن پنجم بود. وی از دانشمندان سرآمد شیعه و پیشوای آن‌ها و موثق و مورد

استناد بوده و در تمامی فنون و علوم اسلامی کتاب نوشته است (حلی، ۱۴۱۱: ۲۴۹). وی فقط همین را نقل کرده که عبدالله بن حسین همراه پدر (در روز عاشورا) به شهادت رسید (شیخ طوسی، ۱۳۷۳ الف: ۱۲۰).

۱۸. گزارش شجری (وفات ۴۷۹ ق)

یحیی بن حسین بن زید بن حسن، مشهور به «المرشد بالله» از نوادگان امام حسن (ع) عالم، محدث و نسابه زیدی قرن پنجم است که بیشترین شهرت وی در سنت زیدیه به دلیل نگارش دو *امالی* و شرح حالی برای «المؤید بالله» امام زیدی است (رحمتی، ۱۳۹۰: ۱۲۱). او همان گزارش رسان را ذکر کرده است (شجری، ۱۴۲۹، ج ۱: ۲۲۴).

بررسی تطور گزارش‌ها

ابومخنف در قرن دوم، اولین مرتبه شهادت فرزند کودک امام حسین (ع) را گزارش کرد. مجموعاً سه روایت وجود دارد که در آن حتی نام آن کودک با تردید عبدالله ذکر شده و به سن او اشاره نشده است. نام قاتل را در یکی از گزارش‌ها، هانی بن ثبیت حضرمی و در گزارش دیگر به صورت مبهم، مردی از بنی اسد نقل کرده است. در مورد چگونگی شهادت وی گفته که در آغوش امام حسین (ع) با تیری ذبح شد و به شهادت رسید. وی این گزارش را با سند ذکر می‌کند. گزارش اصلی وی درباره شهادت کودک از امام باقر (ع) است. وی کاملاً با رویکرد تاریخی این ماجرا را نقل کرده است.

رسالن سپس گزارشی آورده که با گزارش ابومخنف تفاوت دارد و با رویکرد فراتاریخی نقل شده است. او به نوزاد بودن کودک تصریح کرده و گفته که امام نام او را عبدالله گذاشتند و او با تیر حرمه بن کاهل اسدی که به گلویش اصابت کرد، به شهادت رسید. وی گزارش مربوط به ریختن خون او به زمین را بدین گونه تغییر داد که امام آن را به سوی آسمان پرتاب کردند و این سخن امام باقر (ع) را نیز به آن اضافه کرده که اگر قطره‌ای از آن خون به زمین می‌رسید، عذاب الهی نازل می‌گشت. پس روایت ابومخنف درباره ریختن خون بر زمین و روایت رسان مبنی بر فرود عذاب در صورت رسیدن خون به زمین، هر دو از امام باقر (ع) است و البته باهم سازگار نیست. می‌توان گزارش ابومخنف را بر گزارش رسان ترجیح داد؛ زیرا گزارش وی مقدم است. و او با سند از امام باقر (ع) نقل کرده، درحالی که رسان بدون سند آورده و می‌توان احتمال داد که خود

رسان یا کسی که رسان از او نقل کرده، در اصل روایت امام باقر(ع) تصرف کرده و آن را تغییر داده باشد.

سپس در قرن سوم در گزارش ابن سعد، به سبب دخل و تصرفی که وی در گزارش ابومخنف انجام داد، یک کودک تبدیل به سه کودک شد. کودک اول سه‌ساله بود، ولی ابن سعد نام او را ذکر نکرد. او را عقبه بن بشیر اسدی با پرتاب تیر کشت. او نگفته که تیر به کجا اصابت کرد. درباره کودک دوم، نام، سن و قاتل او را نیز ذکر نکرده ولی از گزارش برمی‌آید که آن پسر بیش از یک سال داشته چون دوان دوان نزد امام حسین(ع) آمد. نام قاتل را هم به صورت مبهم نقل کرده که مردی با تیر او را کشت. درباره چگونگی شهادتش گفته است که تیری بر گروی کودک نشست و او را کشت. در گزارش سوم، به اشتباه فرزند امیرالمؤمنان را در ضمن فرزندان امام حسین (ع) شمرده است.

خلیفه بن خیاط نام آن کودک را عبیدالله بن حسین ذکر کرده و او را از شهدای کربلا شمرده است. پس از آن یعقوبی، کودک را نوزاد دانسته و بدون این که نام قاتلش را ذکر کند، گفته که تیری به سوی او آمد و بر گلویش نشست و او را کشت. علاوه بر آن، یعقوبی اذان گفتن در گوش او و تشبیه آن کودک به ناقه صالح را اضافه کرده است و دینوری و بلاذری شبیه به ابومخنف نقل کرده‌اند.

نقطه عطف این ماجرا را در قرن چهارم، باید در گزارش ابن اعثم دید. وی این ماجرا را با رنگ داستانی و عاطفی نقل کرده و اولین مرتبه نامش را علی ذکر نموده و البته در منابع پس از او، باز نام عبدالله رواج دارد. ابن اعثم نام قاتل را نیاورده و درباره چگونگی شهادتش گفته که تیر به گلویش اصابت کرد. سپس ماجرای دفن و نماز خواندن بر او را می‌افزاید. خصیبی که به غلو متهم است، این شهادت را در حوادث روز عاشورا نقل نکرده، بلکه ماجرای شهادت وی را در شب عاشورا به صورت پیش‌گویی و با رنگ عرفانی و عاطفی آورده است. او نام کودک را عبدالله گفته، ولی سن وی و نام قاتل را ذکر نکرده و شهادت او را با تیری که به گلویش اصابت کرد، آورده است. گرچه بلعمی گزارشی مانند ابومخنف آورده، ولی اولین مرتبه سن کودک را یک سال ذکر کرده است.

در قرن پنجم، تطور خاصی در این ماجرا رخ نداده است. این اختلاف گزارش‌ها در منابع بعدی به صورت یک گزارش درآمده و بر اساس همین اختلاف گزارش‌ها، برخی بر این باور بودند که امام سه پسر داشتند یکی نوزادی که روز عاشورا به دنیا آمد؛ دیگری به نام عبدالله که شش ماهه بود و سومی به نام اصغر که شش ساله بوده است. آنان برای

اثبات دیدگاه خود شواهدی نیز آورده‌اند (قاضی طباطبایی، ۱۳۶۸: ۳۶۳-۳۷۶)، ولی به نظر می‌رسد که این ادعا درست نیست و ناشی از اختلاف و تناقض گزارش‌ها درباره این کودک است.

جدول گزارش‌های شهادت عبدالله بن الحسین تا قرن پنجم

ر	منابع	تعداد روایت	نام راوی	نام کودک	سن کودک	نام قاتل	چگونگی شهادت
۱	ابومخنف (۱۵۷ق)	۳	حمید بن مسلم	عبدالله	صبی	-----	-----
			امام باقر (ع)	-----	صبی	مردی از بنی اسد تیر (ذبح)	اصابت
			-----	عبدالله	-----	هانی بن ثبیت	-----
۲	رسان (قرن دوم)	۱	-----	عبدالله	نوزاد تازه متولد	حرمه بن کاهل	اصابت تیر در گلو (نحر)
۳	ابن سعد (۲۳۰ق)	۳	-----	-----	سه ساله	عقبه بن بشیر	اصابت تیر
			-----	-----	صبی	-----	اصابت تیر در گلو (نحر)
			-----	عبدالله	-----	حرمه بن کاهل	-----
۴	خلیفه بن خیاط (۲۴۰)	۱	-----	عبیدالله	-----	-----	-----
۵	بلاذری (۲۷۹ق)	۱	-----	عبدالله	صبی	حرمه بن کاهل	اصابت تیر (ذبح)
۶	دینوری (۲۸۲ق)	۱	-----	-----	صبی	مردی از بنی اسد	اصابت تیر
۷	یعقوبی (۲۹۲ق)		-----	-----	نوزاد تازه متولد	-----	اصابت تیر در گلو (ذبح)

ر	منابع	تعداد روایت	نام راوی	نام کودک	سن کودک	نام قاتل	چگونگی شهادت
۸	طبری (۳۱۰)	۱	عمار دهنی	-----	ابن	-----	اصابت تیر (ذبح)
۹	ابن اعثم (۳۱۴)	۱	-----	علی الرضیع	صبی	-----	اصابت تیر در گلو
۱۰	خصیبی (۳۳۴)	۱	ابو حمزه ثمالی	عبدالله الرضیع	-----	-----	اصابت تیر
۱۱	ابوالفرج (۳۵۶)	۳	بدون راوی	عبدالله	صغیر	-----	اصابت تیر (ذبح)
			ابو مخنف	عبدالله	غلام	عقبه بن بشیر	اصابت تیر (ذبح)
			مردی مجهول	-----	صغیر	-----	اصابت تیر در گلو (نحر)
۱۲	قاضی نعمان (۳۶۵)	۱	-----	عبدالله	صغیر	هانی بن ثبیت	اصابت تیر (ذبح)
۱۳	بلعمی (قرن ۴)	۱	-----	عبدالله شیر خوار	یک ساله	مردی از بنی اسد	اصابت تیر در گوش
۱۴	کسائی مروزی (۳۹۴)	۱	-----	-----	پنج ماهه	-----	-----
۱۵	طبری شیعی (قرن ۴)	۱	-----	عبدالله	-----	-----	-----
۱۶	شیخ مفید (۴۱۳)	۱	-----	عبدالله	طفل	مردی از بنی اسد	اصابت تیر (ذبح)
۱۷	شیخ طوسی (۴۶۰)	۱	-----	عبدالله	-----	-----	-----

ر	منابع	تعداد روایت	نام راوی	نام کودک	سن کودک	نام قاتل	چگونگی شهادت
۱۸	شجری (۴۷۹ق)	۱	-----	عبدالله	نوزاد	حرمله بن کاهل	اصابت تیر در گلو (نحر)

نتیجه

تطور گزارش‌ها نشان می‌دهد که در روز عاشورا، فقط یک کودک از امام حسین (ع) به شهادت رسید که نام او عبدالله و مادرش رباب دختر امرؤالقیس بن عدی بن اوس بن جابر بن کعب بن حکیم کلبی بود. قاتلش نیز حرمله بن کاهل اسدی نام داشت. کودک در آغوش پدر به شهادت رسید. همه منابع با وجود اختلاف در نام و سن، در این مورد اتفاق دارند که او را نزد امام آوردند و تیری به سوی او آمد و او به شهادت رسید. او هنگامی به شهادت رسید که امام حسین (ع) در خیمه بودند و کودک در دامن حضرت بود. پس شهادت وی در میدان جنگ و روی دست امام انجام نشده است.

علاوه بر آن، نمی‌توان درباره سنش به سخن قطعی دست یافت، ولی می‌توان گفت که او نوزاد نبوده بلکه نزدیک به یک سال یا کمی بزرگ‌تر از یک سال بوده است؛ زیرا تا قرن پنجم، در هیچ گزارشی ماجرای تشنه بودن آن کودک و طلب آب برای آن کودک ذکر نشده است. همچنین مطالبی از حامله بودن همسر امام در این سفر گزارش نشده است. اگر چنین مسأله‌ای بود حتماً اطرافیان به آن توجه می‌کردند و امام برای آن تدابیری می‌اندشیدند. از این رو، می‌توان نتیجه گرفت که ماجرای تولد کودک و درخواست آب از سوی امام برای کودک و شهادت وی در میدان جنگ، در زمان‌های بعدی برای عاطفی کردن این ماجرا ساخته شده است.

کتابنامه

- ابن ابی الحديد، عزالدين عبدالحميد (۱۴۰۴). *شرح نهج البلاغه*، قم، مكتبه آيت الله مرعشى، ج ۱۷.
- ابن ابی ثلج بغدادی، محمد بن أحمد (۱۴۱۰). *تاريخ اهل بيت*، قم، انتشارات آل البيت.
- ابن اعثم، احمد بن اعثم (۱۴۱۱). *الفتوح*، تحقيق على شيرى، بيروت، دارالاضواء، ج ۵.
- ابن حبيب، بغدادی، ابو جعفر محمد (بی تا)، *المحبر، تصحيح ايلزه ليخستن*، بيروت، دار الافاق الجديدة.
- ابن خلکان (۱۳۷۹). *وفيات الاعيان*، بيروت، دار صادر، ج ۵.
- ابن داوود (۱۳۴۲). *الرجال*، تهران، دانشگاه تهران.
- ابن سعد، ابو عبدالله محمد بن سعد (۱۴۱۶). *ترجمه الامام الحسين ومقتله*، تحقيق سيد عبدالعزیز طباطبایى، قم، مؤسسه آل البيت لاحياء التراث.
- ابن شهر آشوب، ابو جعفر محمد بن علی (۱۳۷۹). *مناقب آل ابی طالب*، قم، انتشارات ذوی القربی.
- ابن ندیم، ابو الفرج محمد بن اسحاق (بی تا). *الفهرست*، بی جا، بی نا.
- ابو الفرج اصفهانی، علی بن حسین بن محمد (۱۳۳۹). *مقاتل الطالبین*، ترجمه محمد جواد فاضل، تهران، انتشارات کتاب فروشی علمی.
- _____، علی بن حسین بن محمد (۱۳۸۹). *مقتل الحسين (ع) (مشهور)*، قم، مکتبه حیدریه.
- _____، علی بن حسین بن محمد (۱۴۱۵). *مقاتل الطالبین*، بيروت، دار احیاء التراث العربی.
- اشعری، سعد بن عبدالله (بی تا). *المقالات والفرق*، بيروت، دار احیاء التراث العربی.
- بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل (بی تا). *تاریخ الكبير*، قم، دارالفکر، ج ۳.
- برقی، احمد بن محمد (۱۳۴۲) *رجال برقی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- بغدادی، ابوبکر احمد بن علی (بی تا). *تاریخ بغداد*، بيروت، دارالکتاب العربی، ج ۱.

- بغدادی، اسماعیل پاشا (۱۴۱۰). *هدیه العارفین*، بیروت، دارالفکر، ج ۱.
- بلاذری، احمد بن یحیی بن جابر (۱۴۱۷). *انساب الاشراف*، تحقیق سهیل زکار و ریاض زرکلی، بیروت، دارالفکر، ج ۳.
- بلعمی، ابوعلی محمد بن محمد (۱۳۷۳). *تاریخنامه طبری*، تهران، انتشارات البرز، ج ۱ و ۴.
- پیشوایی، مهدی (۱۳۹۱). *تاریخ قیام و مقتل جامع سیدالشهداء (ع)*، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- تفرشی، سیدمصطفی بن حسن (۱۴۱۸). *نقد الرجال*، قم، مؤسسه آل البيت، ج ۵.
- جعفریان، رسول (۱۳۸۷). *حیات سیاسی و فکری امامان شیعه*، قم، انتشارات دلیل ما.
- حر آملی، محمد بن حسن (۱۳۸۵). *امل الامل*، نجف، مطبعه الاداب، ج ۲.
- حسینی جلالی، سیدمحمد رضا (۱۴۰۶). "من لم یرو عن الائمة (ع) فی کتاب الرجال للشیخ طوسی" *تراثنا*، شماره ۲-۳، ص ۱۴۹-۴۶.
- حسینی، سیدعبدالله (۱۳۸۸). *معرفی و نقد منابع عاشورا*، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱). *خلاصه الاقوال*، نجف، دارالذخائر.
- حموی، یاقوت بن عبدالله (۱۴۰۸). *معجم الادباء*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ج ۱۷.
- خلیفه بن خیاط (۱۴۱۵). *تاریخ خلیفه بن خیاط*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- دینوری، ابوحنیفه احمد بن داوود (۱۳۶۸). *تحقیق عبدالمنعم عامر مراجعه جمال الدین شیال*، قم، منشورات الرضی.
- ذهبی، شمس الدین محمد (۱۴۲۵). *سیر اعلام النبلاء*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج ۱۱.
- رحمتی، محمد کاظم (۱۳۹۰). "المرشد بالله شجرى و کتاب الأمالی الاثنینیة، "آینه پژوهش، شماره ۱۲۱، ص ۴۶-۵۰.
- رسان، فضیل بن زبیر (۱۴۳۲). *تسمیه من قتل مع الحسین (ع)*، قم، مؤسسه آل البيت (ع).
- رنجبر، محسن (۱۳۸۵). "پژوهشی درباره طفل شیرخوار امام حسین (ع)" *تاریخ درآینه پژوهش*، شماره ۱۲، ص ۷۱-۹۰.
- زاهدی، یاسین (۱۳۸۷). "بررسی شرح الاخبار فی فضائل الائمة الاطهار قاضی نعمان"

- سخن تاریخ، شماره ۲، ص ۶۸-۵۲.
- زرکلی، خیر الدین (۱۹۸۰). الاعلام، بیروت، دارالعلم، ج ۱.
- زرگری نژاد، غلامحسین (۱۳۸۶). نهضت امام حسین (ع) و قیام کربلا، تهران، انتشارات سمت.
- شجری، ابوحسین یحیی بن حسین (۱۴۲۹). الامالی الاثنینیه، صنعاء، مؤسسه امام زید، ج ۱.
- شیخ مفید، ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳). الارشاد، قم، کنگره شیخ مفید، ج ۳.
- سلیمانی بروجردی، میرزا علی (۱۳۸۹). تحقیقی جامع پیرامون سه طفل شهید سیدالشهداء در کربلا، قم، انتشارات دارالتفسیر.
- صاحبکار، ذبیح الله (۱۳۷۹). سیری در مرثیه عاشورایی، مشهد، انتشارات عاشورا.
- صفری، نعمت الله (۱۳۸۴ الف). "حسین بن حمدان خصیبی و کتاب هدایه الکبری" طلوع، شماره ۱۶، ص ۲۵-۱۵.
- _____ (۱۳۸۴ ب). "محمد بن جریر طبری آملی و دلائل الامامه" علوم حدیث، شماره ۳۸-۳۷، ص ۲۴۰-۲۲۳.
- طبری شیعی، محمد بن جریر (۱۴۱۳). دلائل الامامه، قم، انتشارات بعثت.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۳۷۸). تاریخ الامم والملوک، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالکتب العلمیه، ج ۵.
- طوسی (شیخ)، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۷۳ الف). رجال طوسی، مصحح: جواد قیومی اصفهانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعه المدرسین.
- طوسی (شیخ)، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۷۳ ب). الفهرست، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- عزیزی، حسین (۱۳۹۱). نقد و بررسی منابع تاریخی فتوح در سه قرن اول هجری، قم، انتشارات حوزه و دانشگاه.
- غالب، مصطفی (بی تا). تاریخ الدعوة الاسماعیلیه، بیروت، دارالاندلس.

- فخر رازی ، محمد بن عمر (۱۴۱۹). *الشجرة المباركة في أنساب الطالبية* ، قم، انتشارات سيدالشهداء.
- قاضی طباطبایی، علی (۱۳۶۸). *تحقیقی درباره اولین اربعین حسینی*، قم، بنیاد علمی و فرهنگی شهید قاضی طباطبایی.
- قاضی نعمان (۱۴۰۹). *شرح الاخبار، تحقیق سید محمد حسینی جلالی*، قم، جامعه مدرسین، ج ۳.
- کاشانی، ملاحیب الله (۱۳۹۰). *تذکره الشهداء*، تهران، انتشارات شمس الضحی، ج ۱.
- کرمانی، شیخ عباس (۱۳۸۶). *شاهکار آفرینش*، قم، نشر عصر ظهور.
- مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۲). *رجعت*، ترجمه سید حسن موسوی، قم، انتشارات دلیل ما.
- نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی (۱۳۵۵). *رجال نجاشی*، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
- نوبختی، حسن بن موسی (۱۳۵۵). *فرق الشیعه*، نجف، مطبعه الحیدریه.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب (بی تا). *تاریخ یعقوبی*، بیروت، دارصادر، ج ۲.